ویژگی‌های ضروری در فرهنگ روسی‌به‌فارسی برای کاربر ایرانی

دکتر محسن شجاعی
استادیار گروه زبان روسی، دانشگاه آزاد (واحد تهران شمال)،
تهران، ایران
m_shojaee@iau-tnb.ac.ir

واژه‌های کلیدی: فرهنگ روسی‌به‌فارسی، کاربر ایرانی، اصول فرهنگ‌نگاری.

با نگاهی به فهرست فرهنگ‌های عمومیِ روسی به فارسی و فارسی به روسی، از قدیمی‌ترین تا جدیدترین آن‌ها، روشن می‌شود که همهٔ این فرهنگ‌ها را روس‌زبان‌ها نوشته‌اند. استثناهای اندک‌شمار دو سه فرهنگی هستند که با بررسی دقیق، به اصالت آن‌ها تردید می‌شود.

اهمیت این نکته در آن است که ساختار و شیوهٔ فرهنگ را مخاطب و کاربر آن مشخص می‌کند؛ اما ازآنجاکه تقریباً همهٔ فرهنگ‌های روسی به فارسی و فارسی به روسی که تا امروز منتشر شده‌اند، تدوین روس‌زبان‌ها بوده‌اند، فهرست واژه‌ها[1]، ساختار مدخل‌ها، نوع اطلاعات و شیوهٔ ارائهٔ آن‌ها در این فرهنگ‌ها همگی در راستای نیازهای کاربر روس‌زبان بوده است. تنها فرهنگ روسی به فارسی که برای کاربران ایرانی تنظیم شده، فرهنگ آموزشیِ روسی به فارسیِ ۱۱۰۰۰ واژه‌ای کلیفتسووا است [کلیفتسووا، ۱۹۸۴]. از دید موضوع این نوشتار، فرهنگ یادشده، صرف‌نظر از شمار کمِ واژه‌های آن و این که دیگر فرهنگی قدیمی به‌شمار می‌آید، نسبت به فرهنگ‌های دیگر برای کاربر ایرانی فرهنگ مناسب‌تری است؛ اما در این نوشتار که در آن فقط فرهنگ روسی به فارسیِ عمومی مدّ نظر بوده است، کوشیده‌ایم ویژگی‌هایی را که این نوع فرهنگ برای پاسخ‌گویی به نیازهای کاربر فارسی‌زبان باید داشته باشد، بیابیم، گروه‌بندی کنیم و نمونه‌های هر یک از گروه‌های آن را نشان دهیم.

فهرست واژه‌ها، واژه‌هایی که باید در یک فرهنگ روسی به فارسی عمومی سرمدخل[2] قرار گیرند، به‌طور منطقی باید واژه‌هایی باشند که در درجهٔ نخست برای فهم زبان زندهٔ روز به کار بیایند. به‌عنوان نمونه، درحالی‌که در ویرایش جدید فرهنگ روسی به فارسیِ واسکانیان [واسکانیان، ۱۳۹۱] در

[1].словник
[2].Заглавное слово

سرمدخل‌ها و نیز در مثال‌ها و ترکیباتِ پرکاربرد، نمونه‌های بسیاری مربوط به دوران شوروی همچنان موجودند، اما واژهٔ инаугурация (سوگند در مراسم آغاز ریاست جمهوری) در این فرهنگ نیامده است. ازاین‌رو حتی اگر فرهنگ‌نویس گرایش به گنجاندنِ واژه‌های متون ادبی و تاریخیِ اندکی کهنه‌تر هم داشته باشد، نباید واژه‌های روز را از قلم بیندازد؛ زیرا فرهنگ روز یعنی فرهنگی که بتوان با آن نوشته‌های گوناگون، اما همگانیِ موجود در اینترنت و رسانه‌های دیگر را مطالعه کرد؛ اما برای به‌روز کردنِ فهرست واژه‌ها بهره‌گیری از فرهنگ‌های بسامدیِ زبان روسی راه مطمئنی است. یکی از آخرین فرهنگ‌های بسامدی، *فرهنگ بسامدی زبان روسی امروز* [لیاشِفسکایا، شاروف، ۲۰۰۹] است که برپایهٔ «پیکرهٔ ملّیِ زبان روسی»[1] تألیف شده است.

چینش مدخل‌ها، البتّه باید به روش صرفاً الفبایی انجام شود. شاید برای کسانی که با فرهنگ‌های زبان روسی آشنا نیستند، این نکته بسیار بدیهی به نظر آید؛ اما در برخی فرهنگ‌های روسی به فارسی این اصل نادیده گرفته شده است. روش این فرهنگ‌های روسی که آن را روش الفبایی- خوشه‌ای[2] می‌نامند، بدین‌گونه است که یکی از صورت‌های دستوری واژه (مانند اسم، صفت یا فعل) سرمدخل قرار می‌گیرد و سپس صورت‌های دیگرِ دستوریِ واژهٔ سرمدخل و شکل‌های گوناگون آن‌ها به‌عنوان مدخل فرعی در دل همان مدخل اولیه جای می‌گیرند؛ مانند مدخل ориентация در ویرایش قدیم فرهنگ واسکانیان که واژه‌های ориентир, ориентирование, ориентировать, ориентироваться, ориентировка, ориентировочно, ориентировочный همگی در دل آن چیده شده‌اند. به هر روی، در فرهنگ مورد نظر ما هر واژه، صرف‌نظر از این که صورت پایهٔ[3] آن چه باشد، در شیوهٔ مورد نظر ما به‌عنوان سرمدخل در یک مدخل جداگانه و در جای الفبایی خود می‌آید.

نکتهٔ بعدی، **صورت‌های گوناگون واژه‌ها در زبان روسی** است. در فرهنگ صورت‌های گوناگون واژه که در آن‌ها ترتیب حروف به نسبت صورت پایه تغییر می‌کند، به شکل مدخل‌های ارجاعی (ارجاع درون‌متنی)[4] و در ردیف الفبایی خود باید ارائه شوند. این اصل هم دربارهٔ صیغه‌های گوناگون فعل‌ها باید به کار رود، هم دربارهٔ حالت‌های مختلف صرفی و صورت‌های جمع اسم‌ها. منظور صورت‌هایی است مانند возьму در فعل взять یا готовлю در فعل готовить، همچنین اسم‌هایی مانند óкон از صورت پایهٔ окнó یا продавцы از صورت پایهٔ продавéц که همگی باید در جای الفباییِ خود بیایند و از آن‌ها به‌صورت پایه ارجاع داده شود.

مدخلِ فعل، نکتهٔ اصلی در مدخلِ فعل ظرفیت فعل[5] است. برای روشن شدن موضوع کافی است فعل обучать (یاد دادن، آموزش دادن) را به‌عنوان نمونه بیاوریم. فعل «یاد دادن» در فارسی ظرفیت-

---

1. Национальный корпус русского языка
2. Алфавитно-гнездовой
3. Основная форма
4. Внутрисловарная ссылка
5. Управление

های *چه چیزی را* و *به چه کسی* را دارد؛ اما همین فعل در روسی ظرفیت‌هایی کاملاً متفاوت با ظرفیت‌های فعلِ برابرِ خود در فارسی دارد: در زبان روسی «به‌چیزی کسی‌را» یاد می‌دهند! (обучать *чему кого*). تجربه نشان می‌دهد یکی از گسترده‌ترین حوزه‌های بروز خطا در زبان روسی‌آموزان ایرانی و نیز در برخی ترجمه‌ها حوزهٔ ظرفیت‌های فعل است. یک فرهنگ دوزبانهٔ خوب باید با راهنماها و ارائهٔ اطلاعات ضروری به‌شیوهٔ مناسب از امکان بروز خطا بکاهد.

استفادهٔ هرچه بیشتر از فرمول و حالت مصدری، در ارائهٔ اطلاعات از ضروریات یک فرهنگ روزآمد است. این نکته نیز شایان یادآوری است که نباید انتظار داشت کاربر فرهنگ برای یافتن اطلاعات مورد نیاز خود لابه‌لای مثال‌ها و بخش‌های گوناگون مدخل به جست‌وجو بپردازد. ازاین‌رو نشان دادن ظرفیت فعل نه به‌صورت تلویحی (در لابه‌لای مثال‌ها و ترکیب‌های پرکاربردِ ارائه‌شده در مدخل)، بلکه باید به‌صورت کاملاً روشن و تا اندازهٔ ممکن در چارچوب یک فرمول ارائه شود، مانند فرمول ارائه‌شده در مدخل нельзя (*نمی‌شود؛ نباید*) در ویرایش جدید فرهنگ واسکانیان. این‌گونه فرمول‌ها که می‌توان آن‌ها را «فرمول ساختاری» [افشاری، ۱۳۹۶] نامید، در یک فرهنگ روزآمد روسی به فارسی می‌توانند راهنماهای بسیار سودمندی باشند.

چگونگی تنظیم مدخل اسم نیز نیازمند دقت ویژه‌ای است. می‌دانیم که در زبان روسی مسئلهٔ ظرفیتْ مختص فعل‌ها نیست. اشاره به ظرفیت در مدخل اسم‌ها و صفت‌ها نیز در یک فرهنگ روزآمدِ روسی به فارسی از بایستگی‌ها است؛ مانند:

در اسم‌ها:

Обеспечение *чего, чем*
Обучение *чему*
Управление *чем*

در صفت‌ها:

Богатый *чем*
Полный *чего*
Рад *чему*

دربارهٔ اسم‌ها آنچه در فرهنگ روسی به فارسی برای کاربر ایرانی باید ذکر شود، یکی حروف اضافه‌ای است که همراه هر اسم به‌کار می‌رود. این که با واژهٔ школа (مدرسه) حرف اضافهٔ в به‌کار می‌رود و با واژهٔ факультет (دانشکده) حرف اضافهٔ на، یا این که هرچند با واژهٔ конгресс (کنگره) حرف اضافهٔ на به‌کار می‌رود، اما اگر این واژه با فعلِ участвовать (شر کت کردن) به‌کار رود، به دلیل ظرفیت این فعل ترکیب в чём (در چه) باید حرف اضافهٔ в به‌کار رود، همه از نمونه‌هایی است که در فرهنگ‌های امروزی بدان اشاره می‌شود.

نکتهٔ پایانی در مدخل‌های اسم هم اشاره به نشمردنی بودنِ اسم‌های نشمردنی در روسی و برعکس آن است. توضیح آن که زبان‌های روسی و فارسی در مقولهٔ شمار ناهمگون‌اند، بدین معنی که هر اسم را که در زبان فارسی حالت جمع دارد، نمی‌توان در روسی هم به‌صورت جمع به‌کار برد و برعکس. مثلاً

واژهٔ опыт در روسی اگر به معنای «تجربه» به‌کار رود، جمع بسته نمی‌شود، حال‌آنکه در فارسی «تجربه‌ها» یا «تجارب» صورت درست و رایجی است. اشاره به این نمونه‌ها کمک بزرگی به کاربر فرهنگ است.

نکتهٔ دیگر در فرهنگ مورد نظر ما **گزینش مثال‌ها** است. در مثال‌های فرهنگ هرچه بیشتر از الگوهای گفتاری[1] و جمله‌ها و ترکیب‌های پرکاربردِ زبان روسیِ امروز استفاده شود، فهم معنای واژه و دریافتِ ویژگی‌های کاربردی و هم‌نشینیِ آن برای کاربر فرهنگ آسان‌تر خواهد بود.

دربارهٔ **استفاده از اختصارات** باید گفت تجربهٔ شخصیِ نگارنده در تلاش برای آموزش کار با فرهنگ در میان دانشجویان نشان داده است که بهتر است میزان اختصارات را در فرهنگ کاهش داد. نمونه‌ای از اختصاراتِ مخل در کار با فرهنگ استفاده از نشانهٔ ابرو[2] به جای تکرار واژهٔ سرمدخل و نیز به جای بخش ثابت واژه در مثال‌ها و ترکیب‌های درون مدخل در فرهنگ‌های روسی به فارسی واسکانیان [واسکانیان، ۱۳۹۱] و آفچینّیکووا [آفچینّیکووا، ۱۹۶۵] است. اگر سخن از صرفه‌جویی در فضای فرهنگ باشد نیز باید گفت یک بررسیِ محاسباتی نشان داده که حذف اختصارات، فضای چندانی از فرهنگ اشغال نمی‌کند [حسنی، ۱۳۸۶: ۲۷۵].

برچسب‌های هویت دستوری، سبک و مانند آن‌ها در یک فرهنگ دوزبانه که در آن واژه تعریف نمی‌شود، بلکه برابرِ آن داده می‌شود، بسیار مهم هستند. ازاین‌رو در یافتنِ هویت دستوریِ هر واژهٔ سرمدخل و درج آن در جای مناسبی از مدخل می‌بایست کمال دقّت به عمل آید.

آخرین نکته مربوط به **نمایش تلفّظ** است. باید دانست که خطّ روسی خوشبختانه از خط‌هایی است که کمتر از خط‌هایی مانند فارسی یا انگلیسی از تلفّظ واژه‌ها دور شده‌اند. به هر روی، در یک فرهنگ روسی به فارسیِ عمومی برای کاربر ایرانی نمایش تلفّظ، روشی ضروری است، به‌ویژه در نمونه‌هایی مانند واک‌رفتگیِ[3] همخوان‌های واکدار در پایان واژه (تلفّظ [остроф] به‌جای остров)، کاهش (تلفّظ [празник] به‌جای праздник)، بسته شدنِ واکه‌ها (تلفّظ [митро] به‌جای метро) و مانند آن‌ها. به نظر می‌رسد استفاده از حروف لاتین برای نمایش تلفّظ برای ایرانیان که همگی با این حروف آشنا هستند، مناسب‌تر از استفاده از حروف و نشانه‌های روسی باشد.

منابع References

۱. افشاری، رحمان (۱۳۹۶). «جایگاه فرمول ساختاری در فرهنگ-نویسی». جهان کتاب. سال ۲۲، شماره ۳ و ۴، ص. ۲۷- ۲۸.

[1].Речевые образцы
[2].Тильда
[3].Оглушение

۲. حسنی، حمید (۱۳۸۶). «فرهنگ فارسی اعلام، اثری تازه با ویژگی‌های نو». فرهنگ‌نویسی (ویژه نامه‌ی نامه‌ی فرهنگستان)، شماره‌ی ۱، ص. ۲۷۰-۲۷۹.

۳. کلیفتسووا، سوتلانا دمیتری‌یِونا (۱۹۸۴). فرهنگ روسی به فارسی: فرهنگ درسی برای فارسی زبانان، در حدود ۱۱۰۰۰ لغت. مسکو: زبان روسی.

۴. واسکانیان، گرانت آوانسوویچ (۱۳۹۱). فرهنگ روسی به فارسی. ویراستار و دستیار محسن شجاعی. تهران: فرهنگ معاصر.

5. Ляшевская, О.Н., Шаров, С.А. (2009). *Частотный словарь современного русского языка (на материалах Национального корпуса русского языка)*. М.: Азбуковник.

6. Овчинникова, И.К. (1965). *Русско-персидский словарь. 36 тысяч слов.* Составили И.К. Овчинникова, Г.А. Форугян, Ш.М. Бади. Под редакцией Али Асадуллаева и Л.С. Пейсикова. М.: Советская энциклопедия.